

Explanation of the relationship between "science, scientist and the world" based on Imam Hussain's sermon in Mena

Seyyed Ali Asghar Alavi¹

1. PhD in Qur'an and sciences, majoring in management, Al-Mustafa Al-Alamiya community, Qom; Email: modirekarbala313@chmail.ir

ARTICLE INFO

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article History:

Received August 5, 2024

Revised August 31, 2024

Accepted October 11, 2024

Publication December 09, 2024

Keywords:

Mena sermon,
Imam Hussain's speech in Mena,
identity of science,
duties of scholars,
scientists,
religious science,
social knowledge.

ABSTRACT

One of the most prominent memories of Imam Hussain is the sermon he delivered in the desert of Mina two years before Muawiya's death. In this sermon, Imam Hussain has pointed out the identity that science gives to scientists and the duties that scientists have towards the society in the best way and explained its relationship. This research, using a descriptive analytical method, aims to explain and present the relationship between "science, science and science" based on Imam Hossein's sermon in the desert of Mina. This research has used documentary method to collect information. In this research, the identity effect of science on scholars has been pointed out, and further, based on this identity, the role of scholars in a society has been examined and explained from the perspective of Imam Hossein. Among the findings of the research, besides the explanation of this relationship in Hosseini's words, is paying attention to the real position of science and the scientist and their historical mission, which attention can cause the right direction and Jihad movement in the current of existing science.

تبیین نسبت «علم، عالم و عالم» بر اساس خطبه امام حسین علیه السلام در منا

سید علی اصغر علوی^۱

۱. دکتری تخصصی قرآن و علوم گرایش مدیریت جامعه المصطفی العالمیه قم:

modirekarbala313@chmail.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ های مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹ کلیدواژه: خطبه منا، سخنرانی امام حسین (ع) در منا، هویت علم، وظایف عالمان، دانشمندان، علم دینی، فقه الحدیث، معرفت اجتماعی	یکی از برجسته ترین یادگارهای امام حسین (ع)، خطبه ای است که حدود دو سال قبل از مرگ معاویه در صحرای منا ایراد فرموده اند. امام حسین (ع) در این خطبه به هویتی که علم به دانشمندان میبخشد و نیز وظایفی که عالمان در قبال جامعه دارند به بهترین وجه اشاره نموده و نسبت آن را تبیین کرده اند. این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی توصیفی بر آن است تا نسبت «علم، عالم و عالم» را بر اساس خطبه امام حسین (ع) در صحرای منا تبیین و ارائه نماید. این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات از روش اسنادی بهره برده است. در این پژوهش به اثر هویتی علم بر عالم اشاره شده و در ادامه به پشتوانه این هویت، نقش عالمان در یک جامعه از منظر امام حسین (ع) مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. از جمله ره آوردهای پژوهش، در کنار تبیین این نسبت در کلام حسینی، توجه دادن به جایگاه حقیقی علم و عالم و رسالت تاریخی آنها است که عنایت به آن میتواند باعث جهت دهی درست و حرکت آفرینی جهادی در جریان علم موجود بشود.

سخنان اهل بیت را تنها در گفت و گو و پاسخ به پرسش ها و امثال آن نمی توان یافت، بلکه سخنان بی نظیر ایشان، یکی از منابع اصیل نورانی است که متأسفانه به آن کمتر توجه میشود. در این میان خطبه ها شأن ویژه ای دارند چرا که در کنار آن حرارت و شوری که گرمای معصوم را منتقل مینماید، بیانگر ویژگیهای گوینده، مختصات مخاطب و بیان ضمنی شرایط بیان سخن نیز هستند. خطبه امام حسین (ع) در منا یکی از این سخنرانیها برجسته و ماندگار تاریخ است که نسبت به آن، حتی در جمعیهای نخبگانی عنایت کمتری شده است.

خطبه امام حسین (ع) در منا، خطبه ای است که امام حسین (ع)، یک یا دو سال قبل از مرگ معاویه (مرگ ۶۰ ق) علیه انحرافات خلافت بنی امیه در ایام حج و در صحرای منا ایراد فرمودند؛ چرا که یکی از اهداف با شکوه حرکت امام حسین (ع)، توجه دادن علم و دانش به رسالت واقعی خویش و هشدار دادن به دانشمندان، عالم و صاحب اندیشه به عهد خطیر و جایگاه رفیع و مسئولیت سنگینشان است. بر این اساس، امام حسین علیه السلام در نهضت اصلاحگرانه خود، بر آن است تا علم و عالم را به جایگاه حقیقش اوج بخشد و آنها را به رسالت تاریخیشان متوجه نماید. (ابن نما حلی، ۱۳۸۰، ۴۳) برخی تحلیلگران این خطبه را که در حضور صحابه و تابعان ایراد شده، نشانه برنامه امام حسین (ع) برای قیام کربلا می دانند.

نهضت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را باید به عنوان پارادایم متعالی در نظر گرفت و بایسته های علمی و وظایف دانشمندان که آن حضرت در جمع نخبگان ایراد فرمودند، تبیین شود. در صورتی که دانشمندان و نخبگان که عامل راهبردی در هر نظامی برای رسیدن به کمال به شمار می آیند، به مسئولیت های خود آگاه باشند و عمل نمایند، تحول عظیمی در جامعه پدیدار خواهد شد.

در فلسفه علم غربی فقط علم مهم است و سخنی از عالم به میان نمی آید. اگر از عالم سخنی می آید صرفاً یک نگاه جامعه شناختی صرف است، اما در تفکر دینی علم از عالم جدا نیست و عین هم و همراه هم می باشند و این دو جدایی ناپذیرند. بنابر این نمیتوان

علم را کاملاً جدای از شخصیت عالم ملاحظه کرد و بذر علم در هر زمینی نمی‌رود و برای تولید علم دینی توجهات خاصی در زمینه تربیت عالم ضروری است (سوزنجی، ۱۳۸۸، ۸۶). بر این اساس فهم نسبت علم و عالم و در امتداد آن نسبتش با جهان و عالم ضروری است و یکی از مراحل راهبردی تحول در علوم انسانی، همین آموزش و انتقال مبانی، الگو و مکتب اسلامی به استادان و عالمان این عرصه است (خسروپناه، ۱۳۹۳، ۵۲)؛ زیرا اینگونه نیست که انسان منفصل از جامعه و تاریخ و تکوین بتواند فکر کند و تولید دانش داشته باشد. همین قدر که وارد جریان تولید علم می‌شود به جریان جامعه، تاریخ و تکوین گره می‌خورد (میریاقری، ۱۳۸۹، ۱۳۸). در یک نگاه کلان اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و هماهنگ دیدن حوزه های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است. تا هنگامی که علوم و دانشگاهها از سیر محدود و افقی خود دست بر نداشته و در مسیر صعودی گام بر ندارند، هرگونه کار و اقدام شکلی و ظاهری، تغییر ماهوی در ساختار معیوب علم ایجاد نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۳۶).

پیشینه پژوهش

درباره خطبه منا پژوهشهایی صورت گرفته است. مانند:

آیت الله مجتبی تهرانی خطبه منا را در سال ۱۳۹۰ ش برای تبیین هدف قیام امام حسین (ع) در هفده جلسه شرح کرده است. متن این سخنان در مجموعه ده جلدی سلوک عاشورایی به نام شرح خطبه منا منتشر شده است (تهران، انتشارات مصابیح الهدی، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش).

آیت الله محمدصادق نجفی در اثر «خطبه حسین (ع) بن علی در منی» به شرح این خطبه پرداخته است (مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ ششم، ۱۳۹۳ ش). ایشان در این کتاب به سندهای خطبه و سنجش میزان اعتبار آنها و نیز انگیزه ایراد خطبه و همچنین بیان فضای سیاسی آن زمان پرداخته است. وی پس از پایان متن کتاب نیز درباره زمان و مکان ایراد خطبه و آثار و نتایج آن نکاتی را مطرح ساخته است.

محمدرضا حدادپور جهرمی خطبه مذکور را در کتاب «شرح خطبه امام حسین (ع) در منا» شرح داده است (قم، دفتر نشر معارف، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ش) مباحث این کتاب

سخنرانی‌های مولف در بر اساس سخنرانی یک دهه محرم مولف تنظیم شده و در آن تلاش شده نگاه خود را از اوضاع فعلی جامعه هم بر ندارد. در این کتاب خواننده علاوه بر آشنا شدن با مبانی مکتب سیدالهدی، با فضای سیاسی و اجتماعی اسلام در آن سال‌ها نیز آشنا می‌شود. نویسنده با شرح این خطبه درصدد تبیین شرایط جامعه اسلامی در دهه ۶۰ هجری، اهداف قیام امام حسین (ع)، عبرت آموزی از قیام عاشورا و همچنین بصیرت بخشی به مخاطبان در زمینه احتمال تکرار حوادث مشابه در جامعه اسلامی است، چرا که معتقد است نمی‌توان چشم را از اوضاع و نیازهای فعلی مسلمین پوشاند و به تفسیر دین و قرآن و قیام عاشورا پرداخت.

سید علی اصغر علوی در اثر «آبروی علم» بیانات امام حسین (ع) در جمع اندیشمندان را مورد بررسی قرار داده است (تهران، خیزش نو، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش). مولف سعی کرده است تا به وسیله گفته‌های امام (ع) ثابت کند که دلیل قیام عاشورا کوتاهی نخبگان، عالمان و جامعه علمی آن زمان بوده است و امام مجبور بودند برای حفظ دین یک تنه این علم را بر دوش کشند، خواه در نهایت با شهادت ایشان همراه باشد. هویتی که علم به عالم می‌دهد و وظایفی که عالم در قبال جامعه خویش برعهده دارد، از جمله محورهای است که کتاب به آن توجه داشته است. همچنین، از مهمترین درسهای عاشورا برای نهضت علمی درس «اقدام» دانسته است و نهضت عالمان را مقدمه نهضت علمی بیان کرده است.

● مفهوم شناسی

خطبه منا

خطبه ای است که امام حسین (ع) یک سال و نیم قبل از مرگ معاویه در سرزمین منا در مراسم حج بیان فرمودند. مخاطب این خطبه جمعی از صحابه مشهور پیامبر و گروهی از دانشمندان بوده اند. این خطبه توسط حسن بن شعبه حرانی در تحف العقول گزارش شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۳۷).

● روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله، روش تحلیلی توصیفی است. این تحقیق برای جمع‌آوری

اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای (یادداشت‌برداری به صورت تحلیلی توصیفی) با روش اجتهادی بهره خواهد برد و تلاش میکند تا به پشتوانه سخنرانی امام حسین (ع) در منا، نسبت «علم، عالم و عالم» را مورد تبیین و تحلیل قرار دهد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

سیر کلی خطبه منا

خطبه منا را می‌توان آهنگ رسمی طلعه کربلا و نقطه‌های آغازین حماسه عاشورا نامید، چرا که برای نخستین بار در چنان شرایطی و در یک جایگاه و تریبون رسمی، شخصیت اول جهان اسلام در همایشی، بزرگان دین و سیاست را دور هم جمع کرده و ضمن اعلام هشدار و بیدار نمودن فطرت‌های خواب‌آلود مسلمین، رنج‌های حقیقی که دامن اسلام و مسلمین گرفته را معرفی کرده و با شدت از آن اعمال و عُمال براءت جستند و در قامت یک اپوزیسیون مُحَقِّق مطالب مهی را اشاره نمودند (حدادپور جهرمی، ۱۳۹۵، ۱۴). امام حسین علی‌ه‌السلام در این سخنرانی، ابعاد مختلف اجتماعی، مذهبی دوران پس از شهادت امیر مؤمنان و علل تسلط معاویه بر جامعه اسلامی و زمینهای قدرت گرفتن و تسلط او بر سرنوشت مسلمین را مطرح فرموده، در ادامه به خطراتی که آینده اسلام را تهدید میکرد، اشاره میکنند و هشدار میدهند که اگر مسلمانان قیام نکنند و به طور ویژه دانایان و دانشمندان آگاه ملت به خودشان نیابند و به مسئولیت‌هایشان توجه نکنند، چراغ پرفروغ رسالت بی‌فروغ خواهد شد. ایشان این بیان محکم و حرکت آفرین را به حاضران ابلاغ مینمایند تا آنان نیز در سراسر سرزمینهای اسلامی افراد متعهد و مسلمانان را از خطر آگاه سازند (نجی، ۱۳۹۳، ۸۴). یکی از نکات مهم در کیفیت ایراد این سخنرانی، انتخاب شرکت کنندگان در آن مجلس و انجمن حساس است که از شخصیت‌های زبده و برجسته‌ی اسلامی و نخبگان بنی‌هاشم و مهاجرین و انصار تشکیل میشد. دویست نفر از حضار مجلس از صحابه و بیش از هشتصد نفر از تابعین و فرزندان صحابه بودند. نکته مهم و حساس دیگر در مورد حضار این جلسه، حضور بانوان بنی‌هاشم و همسران صحابه و تابعین بود، که بنابر تصریح سلیم بن قیس، امام علی‌ه‌السلام آنان را به مجلس فراخوانده

بود (همان). وقتی اپوزیسیون برحق جهان اسلام، رسماً و در همایش بزرگی اعلام برائت از حاکمیتی می‌کند حداقل از دو حالت خارج نیست، یا اینکه عرصه را بر خود تنگ دیده و قصد دارد آخرین گلوله‌های خود را شلیک کند، یا اینکه نقشه‌ای عمیق برای سرنگونی همیشه خطّ و جریان مخالف خویش دارد و توسط سخترانی عمومی در مکه، ام القرای مسلمین، قصد دارد تمام دنیا را بر سر جریان مخالفش خراب نماید (حدادپور جهرمی، ۱۳۹۵، ۱۴).

انتخاب زمان و مکان مناسب از ویژگیها و دقتهای این سخترانی است. به این معنا که «ایام تشریق» و بعد از طی یک دوران عبادت و ریاضت و ارتباط با خداوند و پس از انجام اعمال «عمره» و گذشتن از منزل «عرفات» و بیتوته نمودن در بیابان «مشعر» و انجام دادن مناسک قربانی و رسیدن به یک دوران روحی و معنوی برای دریافت پیام این خطبه قابل توجه است. همچنین مکان بیان سخترانی در «مِنی» است، حساسترین نقطه در کنار خانه خدا، آن جا که باید همه تعینات را کنار گذاشت و جز خدا را به دست فراموشی سپرد و با تمرین رجم شیاطین برای مبارزه با طواغیت آماده گردید و با انجام مراسم قربانی، فدا شدن در راه خدا و گذشتن از سر و جان را در راه ایمان و اسلام آزمود (نجفی، ۱۳۹۳، ۸۶).

توجه خطبه به اهل علم

امام حسین (ع) در این خطبه پس از مقدمات، وارد موضوع عالمان و دانشمندان میشوند و با آیاتی از ماجرای علمای یهود، نکاتی را مطرح میکنند:

«اعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ سُوءِ ثَنَائِهِ عَلَى الْأَحْبَارِ إِذْ يَقُولُ «لَوْ لَا يَنْهَاهُمْ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ» (المائدة / ۶۶) وَ قَالَ «لَعَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَى قَوْلِهِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (المائدة / ۸۱) وَإِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَرَوْنَ مِنَ الظُّلْمَةِ الَّذِينَ بَيَّنَّ أَظْهَرَهُمُ الْمُتَكْرِرَ وَالْفَسَادَ فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنْ ذَلِكَ رَغْبَةً فِيمَا كَانُوا يَتَّالُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةً مِمَّا يَحْذَرُونَ وَاللَّهُ يَقُولُ «فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَاعْشَوْنَ» (المائدة / ۴۷) وَ قَالَ «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (التوبة / ۷۲) فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعِلْمِهِ بِأَنَّهُ إِذَا أُذِيتَ وَأُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيَّيْهَا وَ

صَعِبُهَا وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ
مُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَقِسْمَةِ الْفَيْءِ وَالْغَنَائِمِ وَأَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَوَضْعِهَا فِي حَقِّهَا»
(ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷، ۷۹).

هرچند در آیات مورد استناد امام حسین علیهاالسلام، علما و روحانیون یهود مورد سرزنش قرار گرفته‌اند اما مشخص است که این سرزنش، اختصاصی به علمای یهود و یا روحانیون مسیحی ندارد، بلکه به طور کلی عالمان همه مذاهب را در بر میگیرد؛ زیرا ضرر بی توجهی و سکوت علمای هر مذهب و آیین، مانند معصیت و گناه افراد عادی نیست بلکه متوجه اصل مذهب خواهد گردید.

نگرانی امام از اهل علم

۶۵

این خطبه با نگرانی امام حسین (ع) از دانشمندان همراه است و همین امر باید عالمان و دانشمندان نسبت به این خطبه حساس نماید. امام این مطلب را در تصویری از آرزوی بهشت همراه کرده اند تا شوق را با خوف همراه کرده باشند:

«أَنْتُمْ تَتَمَتُّونَ عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَمُجَاوَرَةً رَسُولِهِ وَأَمَانًا مِنْ عَذَابِهِ لَقَدْ خَشِيتُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا
الْمُتَمَتُّونَ عَلَى اللَّهِ أَنْ تَحُلَّ بِكُمْ نِقْمَةٌ مِنْ نِقَمَاتِهِ لِأَنَّكُمْ بَلَغْتُمْ مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ مَنَزِلَةً فَضَلْتُمْ
بِهَا وَمَنْ يُعْرِفْ بِاللَّهِ لَا تَكْرُمُونَ وَأَنْتُمْ بِاللَّهِ فِي عِبَادِهِ تَكْرُمُونَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴،
۲۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷، ۸۰) شما آرزو دارید و حق خود میدانید که خداوند بهشتش و
همنشینی پیامبران و ایمنی از عذابش را به شما ارزانی دارد. ای کسانی که چنین انتظاراتی
از خدا دارید من از این بیمناکم که نکبت خشمش بر شما فرود آید؛ زیرا در سایه عظمت
و عزت خدا به منزلی بلند رسیده‌اید ولی خدا شناسانی را که مبلغ خداشناسی هستند
احترام نمیکنید حال آن که شما به خاطر خدا در میان بندگان احترام دارید.

در ادامه، این نگرانی از اهل علم را اینچنین تبیین میکنند:

«وَقَدْ تَرَوْنَ عُهْدَ اللَّهِ مَقْضِيَةً فَلَا تَفْرَعُونَ وَأَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمِّ آبَائِكُمْ تَفْرَعُونَ وَذِمَّةُ رَسُولِ
اللَّهِ صَ مَحْقُورَةٌ وَالْعِي وَالْبُكْمُ وَالزَّمَنُ فِي الْمَدَائِنِ مُهْمَلَةٌ لَا تَرْحَمُونَ وَلَا فِي مَنَزِلَتِكُمْ تَعْمَلُونَ
وَلَا مَنْ عَمِلَ فِيهَا تُعِينُونَ وَبِالْإِدْهَانِ وَالْمُصَانَعَةِ عِنْدَ الظَّلَمَةِ تَأْمَنُونَ» (ابن شعبه حرانی،

۱۴۰۴، ۲۳۸؛ مجلسی، ۹۷: ۱۴۰۳، ۸۰) و نیز از آن جهت بر شما بیم دارم که به چشم خود میبینید تعهدات در برابر خدا (یعنی قراردادهای اجتماعی که نظامات و مناسبات جامعی اسلامی را میسازد) گسسته و زیر پا نهاده شده است اما نگران نمیشوید در حالی که به خاطر پاره‌های از تعهدات پدران‌تان، آشفته میشوید و اینک تعهداتی که در برابر پیامبر انجام گرفته (یعنی مناسبات اسلامی که از طریق بیعت با پیامبر اکرم تعهد شده همچنین تعهد اطاعت و پیروی از جانشینش علی و اولادش که در «غدير خم» در برابر پیامبر انجام گرفته) مورد بیاعتنایی است. نابینایان، اشخاص کر و لال، و زمینگیران ناتوان در همه شهرها بیسرپرست مانده‌اند و بر آنها ترحم نمیشود. نه مطابق شأن و منزلت‌تان عمل میکنید و نه به کسی که بدینسان عمل کند و در ارتقاء شأن شما بکوشد مدد میرسانید. با چرب زبانی و چاپلوسی و سازش با ستمکاران، خود را در برابر قدرت ستمکاران حاکم ایمن میگردانید. تمام اینها دستورهای خداوند است به صورت نهي یا تناهي که شما از آنها غفلت میورزید.

هویت علم به عالم

در اندیشه دینی، علم هیبت آفرین است، به واسطه علم می توان حکومت کرد: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجدہ صیل علیه» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰، ۳۱۹) به عبارتی این علم است که سیطره و حکومت می‌کند. و به انسان قدرت تسلط و حکومت و مدیریت می‌دهد. «علم و دانش برای يك ملت و برای يك فرد مایه‌ی اقتدار است. کسی که این قدرت را پیدا کند، دست برتر را دارد و آن کسی که نتواند قدرت علمی را به دست بیاورد، زیردست باقی میماند و دیگران بر او دست برتر را خواهند داشت. علم و فناوری يك چنین خصوصیتی دارد.» (خامنه‌ای، ۱/۰۱/۱۳۹۰)، اما باید از آن به درستی استفاده کرد. باید این پتانسیل را باید به کار گرفت. این خواسته امام حسین (ع) از دانشمندان در خطبه منا است. در این خطبه با این زمینه، امام حسین (ع) به طور ویژه به موضوع دانشمندان و عالمان میپردازند و به «هویتی که علم به عالم میدهد» توجه میدهند:

«ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ عَصَابَةٌ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَبِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَبِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَبِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ وَيُكْرِمُكُمْ الضَّعِيفُ وَيُؤْثِرُكُمْ مَنْ لَا فَضْلَ لَكُمْ

عَلَيْهِ وَلَا يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ شَفْعُونَ فِي الْخَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طُلَابِهَا وَتَمَشُّونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَكَرَامَةِ الْأَكْبَارِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷، ۷۹)
 «علاوه بر آنچه گفتم، شما ای گروه حاضر! ای گروهی که به علم و دانش شهرت دارید و از شما به نیکی یاد میشود و به خیرخواهی و اندرزگویی و به راهنمایی در جامعه معروف شده‌اید، و به خاطر خدا در دل مردم شکوه و مهابت پیدا کرده‌اید به طوری که مرد مقتدر از شما بیم دارد و ناتوان به تکریم شما برمیخیزد و آن کس که نه برتری و نه قدرتی بر او دارید شما را بر خود برتری داده است و نعمتهای خویش را از خود دریغ داشته به شما ارزانی میدارد، در موارد حوایج وقتی به دست مردم نمیرسد وساطت میکنید و در کوچه و خیابان با مهابت پادشاهان و شکوه بزرگان قدم برمیدارید.»

وظایف عالمان در قبال جامعه به پشتوانه هویت علمی

این خطبه تبیین نسبت «علم و عالم و عالم» است؛ در ابتدا تبیین هویتی است که علم به عالم میدهد و در ادامه تبیین وظایفی که عالم در قبال جامعه خویش برعهده دارد:
 «أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِنَّمَا نِلْتُمُوهُ بِمَا يُرْجَى عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُمْ عَنْ أَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْصُرُونَ فَاسْتَخَفَّضْتُمْ بِحَقِّ الْأَيْمَةِ فَأَمَّا حَقُّ الضُّعَفَاءِ فَضَيَعْتُمْ وَأَمَّا حَقُّكُمْ بِرَعْمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ فَلَا مَالَ بَدَلْتُمُوهُ وَلَا نَفْسًا خَاطَرْتُمْ بِهَا لِلَّذِي خَلَقَهَا وَلَا عَشِيرَةً عَادَيْتُمُوهَا فِي ذَاتِ اللَّهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷، ۷۹)، آیا بر همه این احترامات و قدرتهای معنوی از این جهت نایل نگشته‌اید که به شما امید می‌رود تا به اجرای قانون خدا کمر ببندید گرچه در مورد بیشتر قوانین خدا کوتاهی کرده‌اید؟ بیشتر حقوق الهی را که به عهده دارید فرو گذاشته‌اید مثلاً حق ملت را خوار و خفیف کرده‌اید و حق افراد ناتوان را ضایع کرده‌اید اما در همان حال به دنبال آنچه حق خویش می‌پندارید برخاسته‌اید نه پولی خرج کرده‌اید و نه جان را در راه آن که آن را آفریده به خطر انداخته‌اید و نه با قبیله و گروهی به خاطر خدا درافتاده‌اید.

امام حسین (ع) در این خطبه علت تسلط دشمن بر جامعه را کم همتی دانشمندان و بسته شدن دهان‌های آنان چه با پول و زر و چه از ترس و خوف می‌دانند و همچنین شکیبایی در برابر مصائب را نیز راه مرجعیت علمی و پیروزی بر دشمنان خوانده‌اند. در

نهایت این خطبه نیز امام، خدا را شاهد بر خود می‌گیرند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَسَّاسَ مِنْ فُضُولِ الْخَطَايَا وَلَكِنْ لِنُرِي الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَنَعْمَلْ بِقَرَائِصِكَ وَسُنَنِكَ وَأَحْكَامِكَ فَإِنْ لَمْ تَنْصُرُونَا وَتُنْصِفُونَا قَوِيَ الظُّلْمَةُ عَلَيْكُمْ وَعَمِلُوا فِي إِظْفَاءِ نُورِ نَبِيِّكُمْ وَحَسَبْنَا اللَّهَ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْهِ أَتَيْنَا وَالْإِلَهَ الْمَصِيرُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۷، ۸۰) «بار خدایا! بی شک تو می‌دانی آنچه از ما سر زده (یعنی مبارزه ضد دستگاه حاکمه اموی) نه رقابت در به دست آوردن قدرت سیاسی است و نه جست و جوی ثروت و نعمت‌های زاید، بلکه برای آن است تا اصول و ارزش‌های درخشان دین تو را بنماییم و در کشور اصلاحات پدید آوریم و بندگان ستم دیده‌ات را ایمن و برخوردار از حقوق مسلمشان گردانیم. بنابراین شما (گروه علمای دین) اگر ما را یاری نکنید و در گرفتن داد ما هم صدا نگردید، ستمگران در برابر شما قدرت بیشتری پیدا خواهند کرد و در خاموش کردن مشعل فروزان نبوت گستاخ‌تر خواهند شد».

با این بیان، یکی از هدفهای حسین علیه السلام اوج بخشیدن علم و عالم به جایگاه خود و توجه دادن آنان به رسالت سنگین خویش است تا آنان از آن حضرت بیاموزند که از ارزشها پاس دارند نه ضد ارزشها، تا فرهنگ ساز و فرهنگ بان و اندیشاننده باشند و نه تخریرگر و عوام زده، عامل پیشرفت و اوج و ترقی جامعه باشند نه ترمز ایستایی و ذلت‌پذیری، نیروی پیش برنده و بالابرنده و رشد دهنده باشند و نه باعث سقوط و نگونسازی، از حقوق مردم پاس دارند نه صاحبان قدرت و امکانات، و از قانونگرایی و قانون‌مداری و عملکرد قانونی و نقد‌پذیری و پاسخگو بودن حکومت پیام دهند و نه عکس این اصول مترقی، و مردم را با گفتار و عملکرد زیبا و شایسته به خدا نزدیک سازند و نه دور گردانند و فراری دهند (ابن نما، ۱۳۸۰، ۴۹).

قدرتمندان بر سرنوشت مردم حکم می‌رانند اما دانشمندان بر فرمانروایان. این تعبیری است که امام حسین (ع) از پدرشان نقل کرده اند: «حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ، وَالْعِلْمُ (الْعَالِمُ) حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ» (طوسی، ۱۴۱۴، ۵۶؛ عاملی، ۱۴۰۹، ۱، ۱۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲، ۴۸) با این بیان، روشن است که با تباهی عالم، جامعه تباه می‌گردد: «زَلَّةُ الْعَالِمِ تُفْسِدُ

الْعَوَالِمِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۳۹۱؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۲۷۶) بر این اساس گفته اند «اذا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ» چرا که قلب عالمِ عالمِ صغیر است، و عالمِ قلب عالمِ کبیر است (خمینی، ۱۳۷۰، ۱۰۴). با لغزش عالم که مانند شکستن کشتی است، هم خودش غرق میشود و هم سرنشینان کشتی را به غرقاب مدسپارد: «زَلَّةُ الْعَالِمِ كَأَنَّكَ سَارِ السَّفِينَةِ تَغْرَقُ وَ تُغْرَقُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲، ۵۸).

نهضت عالمان، مقدمه نهضت علمی

از موارد برجسته سخنانی امام حسین (ع) در صحرای منا «ضرورت نهضت عالمان» است. علم به جایگاه خود نخواهد رسید و ارزش آن در جامعه فهمیده نخواهد شد و به دنبالش جامعه علمی شکل نخواهد گرفت، مگر با نهضت عالمان. نهضت عالمان را می‌توان پیش‌نیاز نهضت علمی دانست که تا آن تحقق نیابد نهضت علمی اتفاق نخواهد افتاد. امام حسین (ع) در بین این ضرورت با صراحت تمام، وظیفه دانشمندان را مشخص و تبیین نمودند:

تحلیل نسبت «علم، عالم و عالم» در هندسه خطبه منای امام حسین (ع)	
هویت علم به عالم:	وظایف عالم در نسبت با جامعه و عالم خود:
یاد شدن به نیکی	کمر بستن به اجرای قانون خدا
معروف شدن به به‌خیرخواهی و اندرزگویی و به راهنمایی در جامعه	فرونگذاشتن حقوق الهی
شکوه و مهابت پیدا کردن به خاطر خدا در دل مردم (به طوری که مردم مقتدر از شما بیم دارد و ناتوان به تکریم شما برمیخیزد و آن کس که نه برتری و نه قدرتی بر او دارید شما را بر خود برتری داده است و نعمتهای خویش را از خود دریغ داشته به شما ارزانی میدارد)	حق ملت و افراد ناتوان را ضایع و خوار و خفیف نکردن
وساطت کردن در موارد حوایج وقتی به دست مردم نمیرسد	هزینه کردن مال و در خطر انداختن جان در این راه و برای خدا
با مهابت پادشاهان و شکوه بزرگان قدم برداشتن در کوچه و خیابان	حل و فصل احکام و قضایا و مجاری مختلف و گوناگون امور مسلمین و کشور اسلامی
مجموعه ای از احترامات و قدرتهای معنوی	

این صریح کلام امام در جمع هفتصد نفر از نخبگان است؛ نخبگان و اندیشمندیانی که امام حسین (ع) به بیان توانمندی‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها که محصول علمشان است می‌پردازد و از آن‌ها می‌خواهد که برای تحقق عدالت قیام کنند. این خطبه‌ای است که امام آن را قبل از مرگ معاویه بیان فرمود. به بیان دیگر چون اندیشمندان و نخبگان به این خواسته امام پاسخی در خور ندادند و نهضت عالمان اتفاق نیفتاد خود امام دست به یک نهضت بزرگ زد. نهضت عالمان خواسته امام از دانشمندان بود که اتفاق نیفتاد و نهضت امام حسین (ع) جبران‌کننده آن شد.

بر این اساس، از مهمترین درسهای عاشورا برای نهضت علمی، درس «اقدام» است، قیام برای خدا که وقتی عالمان در سال ۶۰ هجری به آن لبیک نگفتند، خود حضرت (ع) لبیک‌گوی خویش و علمدار و یکه‌تاز آن شد... به یک معنا نهضت حسینی تنها نهضت علمی نبود؛ نهضت عالم هم بود؛ آن‌چه که نصیحت خود بود در خطبه منا (قیام بحق‌الله) موعظه و نصیحت آشکار قرآن نیز هست که «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثًى وَفُرَادَى...» (سبأ/۴۶) و این است هم‌تایی قرآن و حسین (ع). از این منظر، امام حسین (ع) آبروی علم بود و نیز آبروی همه عالمان از ابتدای پیدایش انسان تا انتهای وجود... و این حقیقتی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را کتمان کند (علوی، ۱۳۹۲، ۷۳). هرچند نهضت حسینی، مقوم نهضت علمی آن زمان شد و عملاً استدلال و منطقی را که با سخنرانی قابل انتقال نبود به برکت نهضت حسینی و از دریچه شهادت و قیام خونین محقق شد؛ چرا که امام حسین (ع)، پس از بررسی وضعیت جهان اسلام، دریافتند که صرف علم و استدلال حصولی خواهانی ندارد و بازار سخنان حکیمانه، تألیف و تدریس کتابهای علمی و تدریس فقه و کلام و تفسیر، کاسد و راکد است. همه این راهها را امامان پیشین پیموده بودند و خود ایشان نیز بیست سال آن را آزموده بودند. آن حضرت عملاً فرمودند: در این زمانه، اندیشه حصولی خواهان ندارد و گوش مردم از شنیدن سخنان عالمانه خسته شده است؛ اما ندایی از درون، آنها را به آخرت فرا میخواند و سامعه باطنی آنها منتظر دریافت صدای هاتف غیبی است. اکنون آنچه جایز خالی است و جهان انتظار آن را میکشد، انگیزه است؛ انگیزه‌های برخاسته از عشق و عاطفه، نه صرف عقل و منطق. با این چراغ میتوان جهان را روشنایی بخشید و خفتگان را بیدار کرد. سالار شهیدان، اندیشه مردم را با انگیزه عاشقانه هماهنگ نمود و عقل جهان

بین را در پرتو نور عشق احیا کرد. کسی که رهبری خویش را به دستان توانای عشق میسپارد، مست شراب ناب توحید میشود و در راه انجام فرمانهای الهی، همه دشواریها و خطرهای به جان میخرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۱۴) کوتاه سخن، اگر نهضت عالمان اتفاق می افتاد؛ تاوان سکوت و عدم قیام عالمان، شهادت امام حسین (ع) نمی شد؛ چون عالمان برای خدا قیام نکردند.

نهضت عاشورا، جبران کننده عدم نهضت عالمان سال ۶۰

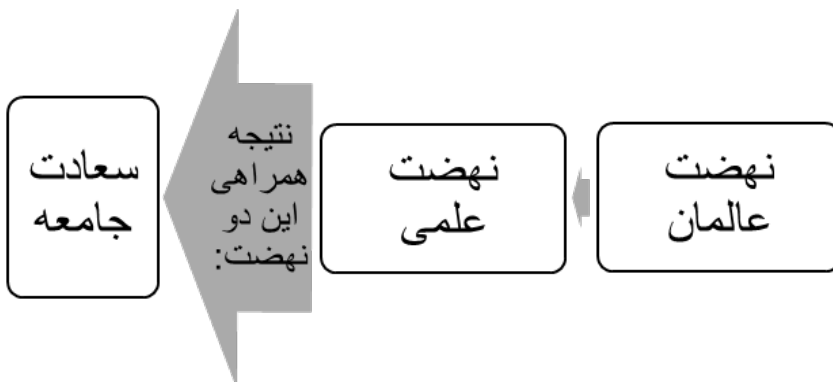
در یک تحلیل میتوان قیام عاشورا را کوتاهی نخبگان، عالمان و جامعه علمی آن زمان دانست که امام مجبور شدند برای حفظ دین یک تنه این عَلم را بر دوش کشند، خواه در نهایت با شهادت ایشان همراه باشد. از آنجا که نهضت عالمان که مقدمه تحقق هر اتفاقی است و نهضت علمی هم از برکات آن می باشد اتفاق نیفتاد، شخص امام حسین (ع) یک تنه دست به این نهضت زد، نهضت حسینی نهضت عالمانی بود که تنها خودش علمدار این نهضت بود، نهضتی که می بایست در آن همه عالمان هم همراه می بودند ولی عالمان همه خود را از متن این نهضت کنار کشیدند و هریک به هر بهانه ای در این نهضت شرکت نکردند. نتیجه نهضت عالمان- یا به تعبیر دقیقتر نهضت عالمی مانند امام- که امام حسین (ع) خود به تنهایی عامل به آن شد و خود عامل کلام خود شد، نهضت خونین حسینی گردید. نهضتی که محصول عدم قیام عالمانی بود که سکوت کردند و امام به حکم بیان نبوی جبران کننده همه بی تفاوتی های عالمان شد:

«أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ يَقُولٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ...» «هر کس پادشاه ستمگری را بنگرد، که حرام خدا را حلال کرده، دین خدا را فرو افکنده، با سنت پیامبر خدا مخالفت میکند، و در میان مردمان با گناهکاری و ستم حکم مراند، سپس با سخنانی و اقدام براو نشورد، سزاوار است که خداوند آن کس را نیز به سرانجام (خواری و عذاب) آن پادشاه دچار سازد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴، ۳۸۲) به بیان عمیق تر نهضت حسینی به جای نهضت عالمان ساکت شهر وارد شد و تاوان سکوت و عدم قیامی که از آن ها خواسته بود را با خون

خود پرداخت: «أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِنَّمَا نَلْتُمُوهُ بِمَا يُرْجَىٰ عِنْدَكُمْ مِنَ الْفِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُمْ عَنْ أَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْصُرُونَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷، ۷۹)

ضرورت این امر و اهمیت این مهم به حدی است که حتی اگر کسی این کار را انجام ندهد و عرصه خالی بماند و کسی نباشد جز وجود امام حسین (ع) - امام حسینی که جریانات موجود در جامعه را می‌داند و عالم به زمان است- این واجب از عهده او برداشته نمی‌شود و باید خود به تنهایی دست به آن نهضت بزند، نهضت عالم در همه حال ضروری است؛ حتی در سکوت جامعه علمی آن زمان و در این میانه نهضت امام حسین (ع) همان جبران عدم نهضت عالمان خاموش است؛ عالمانی که چون سکوت کردند و قیامی نکردند کار به شهادت شخصیتی مانند امام حسین (ع) منتهی شد. بدیهی است که اگر فریاد امام حسین (ع) در صحرای منا شنیده و اجرا می‌شد و همه عالمان به پا می‌خواستند، همه فشارها و سختی‌ها و کرب‌ها و بلاها بر امام حسین (ع) تحمیل نمی‌شد و ایشان به مقتل نمی‌رفت.

نهضت عالمان می‌تواند رهاورد خود را در هر عرصه ای نشان دهد چرا که همه آن‌چه گفته شد قدرت علم است که در عالم مجال بروز می‌یابد و اگر نهضت عالم تحقق یابد دست علم هم از این عرصه خالی نمی‌ماند، اگر نهضت عالمان به وقوع پیوندد نهضت علمی را هم به دنبال خواهد داشت و اولین بهره را در عرصه علمی به نمایش خواهد گذاشت، نمایشی که بالاتر از عرصه نظری در ساحت عمل چشم‌ها را خیره خواهد کرد و از برکت آن جامعه به سعادت خود خواهد رسید. همه این گزاره‌ها میوه نهضت عالمان است؛ نهضتی که پیش از نهضت علمی باید اتفاق بیفتد. نهضتی که می‌تواند اولین نتیجه خود را در عرصه نهضت تولید علم نشان دهد و از آن جا مقدمه ساز ایجاد جامعه‌ای سعادت‌مند باشد.



نمودار ۳: پیش نیاز نهضت تولید علم و برکات ناشی از آن

تأمل در خطبه امام که در جمع جامعه علمی آن زمان ایراد شده است از اهداف بلند نهضت حسینی پرده برمی‌دارد. یکی از این اهداف توجهی است که امام به رسالت علم و عالم دارد.

استعاره دمیدن روح نهضت حسینی در کالبد نهضت تولید علم

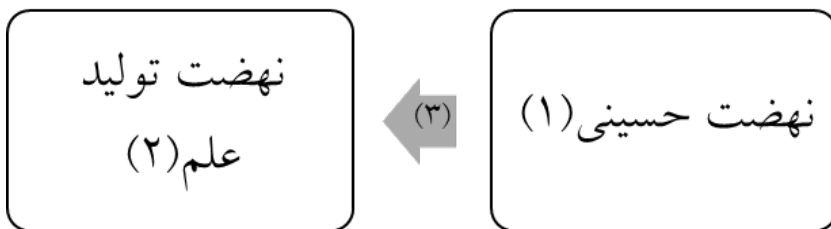
برای رسیدن به تولید علم با عنایت به مفهوم نهضت و وامی که از نهضت حسینی می‌توان گرفت، می‌توان کل فرایند رسیدن به علوم انسانی اسلامی با رهیافت عاشورایی را در همین استعاره پیدا کرد، استعاره ای که به شرط فهم، قدرت ایجاد یک انقلاب را در حوزه علم خواهد داشت و تمام شاخص های نهضت حسینی را در نهضت تولید علم جلوه‌گر خواهد کرد. استعاره ای که به برکت نهضت حسینی توان همراه کردن توانان نظر و عمل را خواهد داشت. گام هایی که باید برای رسیدن به آن مهم برداشته شود عبارتند از:

یک: رصد قله‌های نهضت حسینی و فهم ظرفیت‌های آن

دو: کشف دره‌های نهضت تولید علم و نیازهای آن

سه: الهام‌گیری از نهضت حسینی و بهره‌گیری آن در نهضت تولید علم (الگوگیری از

نهضت حسینی در نهضت تولید علم)



نمودار ۴: استعاره دمیدن روح نهضت حسینی در کالبد نهضت تولید علم

با این حساب، خطبه منا در کنار هویتی که علم برای دانشمند می‌آفریند، و تبیین آفرینشی که عالم با علمش، به جهان و عالم خود می‌دهد، میتواند با عنایت به این استعاره، باعث الهام بخشی و حرکت آفرینی در جریان علم موجود هم بشود. بر این اساس، امام حسین علیه السلام در نهضت اصلاحگرانه‌اش بر آن است تا علم و عالم را به جایگاه حقیقش اوج بخشد و آنها را به رسالت تاریخی خویش توجّه دهد.

نتیجه گیری

طبق بررسیهای صورت گرفته در مورد خطبه منا نتایج زیر حاصل شد:

۱. امام حسین (ع) در این خطبه بعد از بیان مقدمات، وارد موضوع عالمان میشوند و با آیاتی از ماجرای علمای یهود نکاتی را مطرح میکنند. این خطبه با نگرانی امام حسین (ع) از دانشمندان همراه است و همین امر باید عالمان و دانشمندان نسبت به این خطبه حساس نماید. در این خطبه با این زمینه، امام حسین (ع) به طور ویژه به موضوع دانشمندان و عالمان میپردازند و به هویتی که علم به عالم میدهد توجه میدهند. این خطبه تبیین نسبت «علم و عالم و عالم» است؛ در ابتدا تبیین هویتی است که علم به عالم میدهد و در ادامه تبیین وظایفی که عالم در قبال جامعه خویش برعهده دارد.

۲. امام حسین (ع) در این خطبه علت تسلط دشمن بر جامعه را کم همتی دانشمندان و بسته شدن دهان‌های آنان چه با پول و زر و چه از ترس و خوف می‌دانند و همچنین شکیبایی در برابر مصائب را نیز راه مرجعیت علمی و پیروزی بر دشمنان خوانده‌اند. در نهایت این خطبه نیز امام، خدا را شاهد بر خود می‌گیرند. با این بیان، یکی از هدفهای حسین علیه السلام اوج بخشیدن علم و عالم به جایگاه خود و توجّه دادن

آنان به رسالت سنگین خویش است تا آنان از آن حضرت بیاموزند که از ارزشها پاس دارند نه ضد ارزشها.

۳. از موارد برجسته سخنرانی امام حسین (ع) در صحرای منا «ضرورت نهضت عالمان» است. علم به جایگاه خود نخواهد رسید و ارزش آن در جامعه فهمیده نخواهد شد و به دنبالش جامعه علمی شکل نخواهد گرفت، مگر با نهضت عالمان. نهضت عالمان را می‌توان پیش‌نیاز نهضت علمی دانست که تا آن تحقق نیابد نهضت علمی اتفاق نخواهد افتاد. در یک تحلیل میتوان قیام عاشورا را کوتاهی نخبگان، عالمان و جامعه علمی آن زمان دانست که امام مجبور شدند برای حفظ دین یک تنه این علم را بر دوش کشند، خواه در نهایت با شهادت ایشان همراه باشد.

۴. تأمل در خطبه امام که در جمع جامعه علمی آن زمان ایراد شده است از اهداف بلند نهضت حسینی پرده برمی‌دارد. یکی از این اهداف توجهی است که امام به رسالت علم و عالم دارد. با این حساب، خطبه منا در کنار هویتی که علم برای دانشمندان می‌آفریند، و تبیین آفرینشی که عالم با علمش، به جهان و عالم خود می‌دهد، میتواند با عنایت به این استعاره، باعث الهام بخشی و حرکت آفرینی در جریان علم موجود هم بشود. بر این اساس، امام حسین علیه السلام در نهضت اصلاحگرانهاش بر آن است تا علم و عالم را به جایگاه حقیقش اوج بخشد و آنها را به رسالت تاریخی خویش توجه دهد. در صورتی که دانشمندان و نخبگان که عامل راهبردی در هر نظامی برای رسیدن به کمال به شمار می‌آیند، به مسئولیت‌های خود آگاه باشند و عمل نمایند، تحول عظیمی در جامعه پدیدار خواهد شد.

منابع و مآخذ

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد، محقق و مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش)، تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
۳. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، (۱۳۸۰ ش)، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحران)، ترجمه: کرمی، علی، قم، حاذق.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح: رجائی، سید مهدی، قم، دار الکتاب الإسلامی.
۵. تهرانی، مجتبی، (۱۳۹۱ ش)، سلوک عاشورایی (۱۰ جلد)، تهران، مصابیح الهدی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ ش)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، محقق: بندعلی، سعید، قم، اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶ ش)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق و تنظیم: واعظی، احمد، قم، اسراء.
۸. حدادپور جهرمی، محمدرضا، (۱۳۹۵ ش)، شرح خطبه امام حسین (ع) در منا، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
۹. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۲ ش)، در جستجوی علوم انسانی اسلامی (تحلیل نظریه های علم دینی و آزمون الگوی حکمی اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
۱۰. خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۰ ش)، آداب الصلاة (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۱۱. سوزنجی، حسین، (۱۳۸۸ ش)، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، قم، دار الثقافة.
۱۳. عاملی، شیخ حر، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۱۴. علوی، سید علی اصغر، (۱۳۹۲ ش)، آبروی علم (بیانات امام حسین (ع) در جمع اندیشمندان به همراه

بایسته های علمی)، تهران، خیزش نو.

۱۵. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، محقق و مصحح: حسنی

بیرجندی، حسین، قم، دار الحديث.

۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت،

دار إحياء التراث العربي.

۱۷. میرباقری، سید محمد مهدی، (۱۳۸۹ش)، گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی، قم، فجر ولایت.

۱۸. نجمی، محمدصادق، (۱۳۹۳ش)، خطبه حسین بن علی در منی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی

آستان قدس رضوی.

